

برزخ از دیدگاه قرآن، عترت و دیگر ادیان

محمدحسین عالمی*

چکیده:

یکی از ارکان اساسی ادیان الهی دعوت به ایمان نسبت به عوالم فراسوی ماده و عوالم غیبی است و تا این رکن اساسی تحقق نپذیرد، ایمان به دین و تعالیم آن میسر نمی‌باشد. بر این اساس، بررسی عوالم غیبی و اثبات آن‌ها از نظر عقل و برهان و نیز آیات و روایات و سایر کتب آسمانی درخور دقت و تأمل است.

آنچه در این نوشتار پرداخته شده، بررسی خصوصیات و ویژگی‌های عالم برزخ و حقایق پیرامون این منزل هستی و اثبات آن از دیدگاه قرآن و عترت و روایات است؛ در ضمن نگاهی خواهیم داشت به آنچه در سایر ادیان آسمانی نسبت به این موضوع آمده است.

واژگان کلیدی: برزخ، عالم مثال، عالم ماده، غیب، روح، قیامت، قبر.

مقدمه

یکی از عوالم فراطبیعی که در قرآن و روایات به گونه‌های مختلف و با تعبیرهای متفاوتی از آن یاد و درباره آن گزارش‌های قابل تأملی ارائه شده، «عالم برزخ» است. در این نوشتار، نگاهی اجمالی به عالم برزخ و حقایق درباره آن از منظر قرآن و

* عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء

روایات خواهیم داشت. پیش از آغاز بحث تذکر این نکته سودمند به نظر می‌رسد که انسان به دلیل انس با ماده و مادیات و خو گرفتن بدان‌ها چندان آمادگی و میل به پذیرش عوالم و جهان‌های فرامادی را ندارد و آن هنگام هم که به هر دلیل چاره‌ای جز پذیرش نداشته است باز هم تلاش نموده است که به آن رنگ و بوی مادی ببخشد که ما این نگرش را در ارتباط با خدای هستی و جایگزین کردن بت‌ها به جای خدای حقیقی مشاهده می‌کنیم.

یکی از مهم‌ترین ارکان اندیشه دینی دعوت به غیب و ایمان آوردن به آن عالم است. عالم غیب یعنی جهانی که با ابزار و معیارهای مادی قابل سنجش و شناخت نیست. دین از انسان خواسته است به جای تلاش در جهت تنزل همه واقعیات و حقایق جهان هستی تا سطح ماده و مادیات، به آن‌ها جامه مادیت پوشاند و پوشاندن جامه مادیت به آن‌ها و از این طریق به شناخت دست پیدا کردن؛ درصدد باشد تا ذهن و اندیشه خود را به پرواز درآورد و جهان‌های فراسوی ماده را بفهمد بدون آن‌که آن‌ها را با ماده و مادیات بیامیزد.

جهان پس از مرگ و مراحل مربوط به آن از مهم‌ترین آموزه‌های دینی است که بدون راهنمایی و وحی بسیاری از مسائل آن برای انسان قابل دسترسی نیست و خرد و اندیشه انسان را به کثیری از مسائل آن راهی نیست، هر چند می‌توان اصل کلی وجود عالم پس از مرگ را به کمک عقل درک نمود که جای بحث آن در این نوشتار نیست. بنابراین، حقایق و گزارش‌های مربوط به مراحل و منازل مختلف پس از مرگ را از زبان وحی باید آموخت و به کمک آموزش‌ها و ارشادات وحی راه شناخت آن را هموار ساخت.

از جمله مراحل و نیازلی که انسان پس از مرگ با آن مواجه می‌شود، جهانی است که قرآن آن را «برزخ» نامیده است و ما مسلمانان با استناد به قرآن و آموزه‌های دینی وجود چنین جهانی را می‌پذیریم و بدان کردن می‌نهیم. مجموعه مباحث مربوط به عالم برزخ را طی فرازهای ذیل یادآور می‌شویم.

۱. برزخ در لغت

این واژه در لغت به معنی حائل و فاصله میان دو چیز آمده و معانی دیگر نیز برای این واژه ذکر شده است که ریشه در معانی مذکور دارد.

در مقاییس اللغة چنین آمده است:

«الْبَرْزَخُ: الْحَائِلُ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ وَكَانَ بَيْنَهُمَا بَرَازاً أَيْ مُتَسَعاً مِنَ الْأَرْضِ ثُمَّ ضَارَ كُلُّ حَائِلٍ بَرْزَخاً» (ج ۱ / ذیل مدخل برزخ).

یعنی برزخ فاصله و مانع بین دو چیز است و وقتی بیان می شود که بین دو چیز برز یا برزخ است یعنی زمین و سیمی میان آن دو قرار دارد و سپس با توجه به توسعه در معنای لغت مذکور این واژه برای هر چیزی که فاصله و حائل می شود به کار می رود، چه در مورد زمین و چه غیر آن.

در مفردات آمده است:

«البرزخ الحاجز والحدين الشيئين و البرزخ في القيامة الحائل بين الانسان و بين بلوغ المنازل الرفيعة من الآخرة و قبل البرزخ ما بين الموت الى القيامة» (زاغب اصفهانی، ص ۷۱۸، ذیل مدخل برزخ).

«برزخ فاصله و حد میان دو چیز است و در قامت به معنی فاصله میان انسان و رسیدن او به مراحل و درجات بالای کبری است و بعضی آن را به معنی عالم مابین مرگ تا قیامت گرفته اند که البته معنی دوم مناسب تر به نظر می رسد».

در لسان العرب و کتاب العین و قاموس قرآن و سایر لغت نامه ها نیز همین مضمون تکرار شده است.

۲. برزخ در اصطلاح

واژه برزخ در اصطلاح متکلمان و مفسران عمدتاً به معنی فاصله میان دنیا و آخرت به کار گرفته شده است.

در تفسیر تبیان چنین آمده است:

«مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ: فَالْبَرْزَخُ الْحَاجِزُ وَهِيَئًا هُوَ الْحَاجِزُ بَيْنَ الْمَوْتِ وَالتَّبْعِ وَ عَنْ الْمُجَاهِدِ هُوَ الْحَاجِزُ بَيْنَ الْمَوْتِ وَ الرَّجُوعِ إِلَى الدُّنْيَا» (شیخ طوسی، ص ۳۹۴).

«برزخ به معنی مانع است و منظور از مانع در اینجا مانع و فاصله میان مرگ و بعث و رستاخیز است و البته به گفته مجاهد منظور از مانع، فاصله میان مرگ و بازگشت به دنیا است».

در المیزان چنین آمده است:

«الْبَرْزَخُ هُوَ الْحَاجِزُ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ وَ الْمُرَادُ بِهَذَا الْبَرْزَخِ عَالَمُ الْقَبْرِ وَ هُوَ عَالَمُ الْمَثَلِ الَّذِي يَعِيشُ فِيهِ الْإِنْسَانُ بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ».

«برزخ مانع میان دو چیز است و منظور از برزخ در آیات قرآن عالم قبر است که آن عالم مثال است و انسان در آن زندگی می‌کند تا لحظه برپایی قیامت» (طباطبائی، ج ۱۵، ص ۷۳).

۳. واژه برزخ در قرآن

این واژه در قرآن کریم در سه آیه به کار رفته که در دو مورد آن معنای لغوی برزخ منظور است. یک مورد از آیه مبارکه چنین است:

«يُنْفِثُهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (رحمن / ۲۰)

و آیه دیگر این است:

«هُوَ الَّذِي مَرَجَ الْيُحْرَيْنِ هَذَا عَذَبٌ فَرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا» (فرقان / ۵۳).

در این دو آیه، واژه برزخ به معنای فاصله میان دو دریاست. اما در سومین مورد، این واژه به همان معنی جهان غیبی و به عنوان یکی از منازل و مراحل پس از مرگ که موضوع بحث ماست به کار گرفته شده است. آنجا که می‌فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»

[اینان در غفلت به سر می‌برند] تا وقتی که مرگ به سراغ یکی از آنان بیاید آن وقت می‌گویند پروزدگارا مرا بازگردان شاید کار شایسته‌ای در دنیا [در تدارک گذشته] انجام دهم که این هرگز شدنی نیست و این سخنی است که او نمی‌گوید و از پیش روی آنان برزخی وجود دارد تا روزی که مبعوث خواهند شد.

البته آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارد که هر چند واژه برزخ در آن‌ها استفاده نشده، ولی از نظر محتوا با عالم برزخ تطبیق می‌کند؛ در کتب تفاسیر، آیات مزبور به عالم برزخ تفسیر شده است که در مباحث آینده به آن آیات خواهیم پرداخت و پس از آن نگاهی به روایات خواهیم انداخت.

۴. برزخ در ادیان دیگر

هرچند باور داشتن به جهان پس از مرگ از ارکان اعتقادی ادیان الهی است و عدم اعتقاد به آن موجب خارج شدن از صف معتقدان به ادیان الهی و دین‌داران می‌گردد، ولی با توجه به متون موجود از ادیان آسمانی و تحریف‌های صورت گرفته در آن‌ها چندان این مسئله جدی مطرح نشده است، البته تغییرات کلی و گاهی متبهم درباره پس از مرگ و سرنوشت انسان پس از مرگ را می‌توان در کتاب‌ها و متون دینی موجود پیدا کرد که آن‌ها را بیان خواهیم کرد.

الف) برزخ در آئین زردشت

در آئین زردشت، از حیات پس از مرگ و رستاخیز سخن به میان آمده است. در کتاب گات‌ها آمده است:

در روز واپسین آنچه از انسان در طی زندگی از بدی و خوبی سر زده در مقابل هم می‌سنجند. اگر در ترازوی اعمال کفه خوبی سنگین‌تر شد، این فتح راستی و شکست دروغ است و خشوز زردشت خود داور محکمه اهورا است. پس از آن، هنگام گذشتن از از پل چینوت^۱ که روی رودی از فلز گداخته برافراشته‌اند فرا رسد، نیکوکاران خوش و

خرم از روی آن گذشته به سرای ستایش، به کشور جاودانی، به کاخ پاک متشی، به خانه رانستی، به بارگاه اهورمزدا درآیند و به پاداش موعد رسند. آنچه را که در جهان خاکی آرزوی آن داشته‌اند به آنان بخشیده شود. اگر در روز اماره: [حساب] بدی فزونی کرد، آن‌گاه مردگنه‌کار از وجدان خویش رنج و شکنج دیده از سر پل چنوت اندر رود ژرف فلز گداخته سرنگون گردد به کوخ دیو و کلیه دروغ در آید اگر بدی و خوبی یکسان شد ناگزیر نه از بخشایش فردوس بهره‌مند گردند و نه از شکنج در آزار باشد، جای آنان را سراج ممتزج و آمیخته گویند و در پهلوی به آن [همستگان] نام دادند. یعنی جاودان آرام و همواره یکسان، این برزخ نیز جای کسانی است که در طی زندگانی خویش در تردید زیستند. (پورداود، ص ۷۶-۷۵) و (جان ناس، ص ۵-۴۷۴).

از این متن در می‌یابیم که اعتقاد به عالم برزخ یعنی جهان متوسط میان دنیا و قیامت در آموزه‌های دینی زردشت وجود دارد.

ب) برزخ از دیدگاه یهود

در مورد یهودیت می‌توان گفت از آنجا که رکن اساسی ادیان آسمانی اعتقاد به رستاخیز و روز قیامت است چنانکه از نوشته‌های تورات برمی‌آید پس اعتقاد به جهان پس از مرگ امری انکارناپذیر است، اما به دلیل وجود تحریف‌ها در متون دینی یهود، در بعضی موارد حتی اصل مسئله معاد مورد تردید قرار گرفته و طبیعی است که در مورد جهان پس از مرگ دیگر نمی‌توان تفسیر و تصویر روشنی از این متون انتظار داشت. بدین خاطر به عالم برزخ و چگونگی زندگی انسان‌ها در جهان یاد شده به طور صریح اشاره نشده است.

حال نگاهی به متون مقدس می‌اندازیم برخی گفته‌اند:

از کتاب مقدس چنین استفاده می‌شود که اسرائیلیان به زندگی پس از مرگ روح، کيفر و پاداش معتقد نبوده‌اند، طبق برخی از روایات کتاب مقدس، مردگان و یا سایر انسان‌ها به سرزمین اموات که «شئول» نامیده می‌شود، می‌روند، ولی مشخص نیست در آنجا چه

سرنوشتی دارند (آشتیانی، تحقیقی در دین یهود، ص ۲۵۳).

یکی دیگر از نویسندگان می‌گوید:

برخی از فرقه‌های قدیمی یهود «صدوقیان» نیز که از مجموعه عهد قدیم، تورات را قبول داشتند به جهت عدم وضوح آیین مباحث و توجه اندک تورات به موضوعات فوق به معاد و حیات پس از مرگ اعتقادی نداشتند (سلیمانی اردستانی، ص ۸۴).

و در مزامیر آمده است:

«مرگ امری عادی است و زندگی پس از مرگ نامشخص است» (ص ۱۰-۵ و ۳۹).

در حالی که فرقه‌هایی از یهود، اعتقاد به رستاخیز مردگان را به دلیل آنکه ذکر از این موضوع در اسفار پنجگانه تورات نیامده است رد می‌کنند (کهن راب، ص ۳۶۳).
عده دیگری معتقدند که زندگی کنونی انسان در این جهان مقدمه‌ای برای حیات جاودانی دیگری است که از زندگی او بسی عالی‌تر است. آنان می‌گویند:

این جهان مانند دالانی است در جلوی جهان آینده، خود را در این دالان آماده کن تا آنکه بتوانی داخل تالار شوی» (همان، ص ۳۷۰ و میشنا آوت / ۱۲/۴).

هر چند اصل اعتقاد به عالم پس از مرگ در تلمود و سایر منابع با همه اختلافات موجود آمده است، اما چیزی به عالم برزخ و تعبیری که بتواند وجود چنین جهانی را در اعتقاد یهودیان اثبات کند به چشم نمی‌خورد آری مطابق کتاب قاموس مقدس، ص ۹۱۸ در عهد قدیم از مرحله پس از مرگ به «هاویه» تعبیر شده است که می‌تواند محل رحمت الهی برای نیکان و محل عذاب و عقاب برای بدکاران باشد (عهد قدیم، کتاب ایوب، ف ۱۴، آیه ۱۶، ص ۵۱۲) و از مکان یاد شده، یعنی هاویه به مکانی در زیر زمین که مقر مردگان است تعبیر شده است (همان). در بعضی تعبیرات آمده است: همیشه مقصود از هاویه محل عذاب و عقاب نیست بلکه گاهی مراد از آن جای استراحت نفس شخص نیکوکار است تا خداوند وی را تفقد و مرحمتی فرماید (همان جا).

در جای دیگر آمده است:

دو گروه در آنجا می‌باشند: نیکان که با پروردگار هستند و بدکاران که از رحمت الهی دور می‌باشند (همان، ف ۳، آیه ۲۰-۱۳، ص ۵۰۵).

آخرین مطلب در این زمینه اینکه در گفتگویی که با حاخام‌های یهود انجام شد، اصل مربوط به مسائل مرگ و کیفر و پاداش نیکوکاران و خطاکاران مورد تأیید قرار گرفت، آن‌ها فقط همین قدر معتقدند که ارواح پس از مرگ پایدار هستند و بعد از فوت در دنیایی قرار می‌گیرند که شبیه به دنیایی است که بعد از قیامت قرار خواهند گرفت که این را می‌توان همان برزخ نامید، ولی به طور صریح چیزی مربوط به عالم برزخ در کلمات و بیان آنان وجود ندارد.

نتیجه آنکه هر چند قیامت در تورات به صورت کم رنگ مطرح شده است و به همین جهت برخی از نویسندگان اصل آن را در اعتقاد یهود نفی کرده‌اند، ولی در تلمود و سایر منابع آمده است که یهودیان به قیامت و معاد معتقد هستند، بالطبع در چنین آئینی، درباره برزخ، به سخن صریح و بی‌پرده‌ای نمی‌توان دست یافت و فقط اشاره در این زمینه وجود دارد مثل آنچه در گفتگوی شفاهی با حاخام‌ها مطرح شده یا گفتار برخی نویسندگان چون مسترها کس در کتاب قاموس مقدس.

ج) مسیح و اعتقاد به عالم برزخ

در اعتقادات مسیح به روشنی از رستاخیز همه مردگان سخن به میان آمده و یادآوری شده که شرط رستگاری فقط نیکی و نیکوکاری است که به موارد آن اشاره خواهد شد. همانند آئین یهود، آئین مسیح نیز به اصل مسئله معاد معتقد است، اما درباره برزخ کمتر سخنی به چشم می‌خورد و حتی بعضی از فرقه‌های آنان هم چون ارتدوکس و پروتستان با اعتقاد به برزخ مخالف هستند به نمونه‌های زیر توجه کنید:

در انجیل متی روز داوری به صراحت تشریح شده است که همه مردم به دو گروه گوسفندها و بزها تقسیم می‌شوند، گوسفندان نیکان و بزها انسان‌های ملعون و شریور هستند که کیفر آنان آتش ابدی است (انجیل متی / ۲۵، ۳۱، ۴۶).

و باز آمده است که کیفر و پاداش بر پایه عمل افراد تعیین می‌شود (لوقا/ ۱، ۶، ۲۰، ۴۹).

مطابق برخی منابع و گفتار برخی نویسندگان در دیدگاه مسیحیان، روان کسانی که کاملاً پاک هستند پس از مرگ به بهشت می‌رود، ولی آنان که کاملاً پاک نشده باشند و به گناه آلوده باشند به جهنم داخل نمی‌شوند، بلکه در محلی نزدیک جهنم توقف می‌کنند. این مکان را پیشخوان جهنم (برزخ) نامیده‌اند (آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، ص ۳۵۴).

در آئین کاتولیک، روزی به نام روز ارواح وجود دارد که با به صدا درآوردن زنگ‌های کلیسا ارواح با دعای بستگان‌شان از این پیشخوان آزاد می‌شوند (همان جا). در کمدی الهی چنین آمده است:

مکانی به عنوان پیش برزخ نامیده شده است، یعنی قسمت پایین کوه برزخ که تن پروران معنوی ناگزیر به انتظار کشیدن هستند. این ارواح بسته به سستی معنوی باید مدتی در آنجا منتظر بمانند تا سرانجام به کیفر دیدن از بابت گناهانی که در زمین مرتکب شده‌اند نایل آیند.

این گروه به چهار دسته تقسیم می‌شوند: آنان که نسبت به کلیسا سستی اعمال کرده‌اند و آنان که تا آخرین ساعت حیات‌شان نخواستند توبه کنند، آنان که پیش از انجام مراسم عشاء ربانی با مرگی خشونت‌آمیز و ناگهانی بدرود حیات گفتند، و بالاخره شهریارانی که بنا به دلایل مادی فراموش کرده بودند به مسائل معنوی و مذهبی روحشان رسیدگی کنند. پس از عبور از دروازه جایی که فرشته کلیددار حضور دارد هفت صفت وجود دارد که در حقیقت به علامت هفت گناه کبیره باید انسان از آنان بگذرد که آن‌ها عبارت‌اند از: غرور، حسد، خشم، اکسید یا اندوره و دل مشغولیتی که انسان را از خیر و نیک معنوی دور می‌سازد، خست، شکم‌بارگی و بالاخره شهوت. در هر صفت‌ای گناهان را کیفر می‌دهند تا پاک شود و به رستگاری برسد. (دانت، ص ۹-۹۴۸).

با توجه به آنچه در کتاب مذکور آمده است می‌توان گفت: «برزخ نشانه‌رهای و

پیروزی است و روح توبه کار باید در آنجا کيفر شود تا به بهشت صعود کند. چنانکه می بینیم برخی از محققان ادیان خواسته اند از تعبیر یاد شده استفاده کنند که در آئین مسیحیت نیز اعتقاد به عالم برزخ وجود دارد، ولی بیشتر از آنچه ذکر آن رفت در متون دینی مسیح چیزی به چشم نمی خورد.

۵. آیات قرآن و عالم برزخ

آیات فراوانی در قرآن کریم ناظر بر وجود عالم برزخ و حالات مختلف آن جهان است که در ذیل از نظر می گذرانیم:

(۱) از جمله آیانی که به صراحت از وجود عالم برزخ و انتقال انسان ها پس از مرگ به چنین جهانی خبر می دهد آیه زیر است:

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمن / ۹۹-۱۰۰).

در تفسیرهای مختلف با توجه به معنای آیه، عالم برزخ به جهانی تفسیر شده که فاصله میان حیات دنیوی و قیامت کبری است.^۲ بر اساس این آیه، عالم برزخ از لحظه مرگ تا روز مبعوث شدن انسان ها دانسته شده است.

(۲) در سوره آل عمران چنین آمده است:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَرِحَ بِمَا أُتِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران / ۱۷۰-۱۶۹).

«ای پیامبر هرگز گمان مبر آن ها که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده هستند و در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند، آن ها به آنچه خداوند از فضل خود داده است خشنودند و نسبت به کسانی که به آن ها ملحق نشده اند نیز بشارت می دهند که هیچ ترس و اندوهی بر آن ها نیست.»

در این آیه از نعمت ها و الطاف خداوند در مورد شهدا سخن به میان آمده است، از

اینکه آنان از لطف الهی شادمان هستند و در عالم پس از مرگ به دور از اندوه زندگی می‌کنند.

(۳) در سوره مؤمن آمده است:

«وَلَا تَحْزَنْ أَلِ فِرْعَوْنَ سُوًّا الْعَذَابِ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (مؤمن / ۴۶).

«به فرعونیان عذاب سخت نازل گردید، همان آتش که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند و روزی که قیامت برپا می‌گردد دستور داده می‌شود آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید.»

این آیه از دو جهت دلیل بر حیات برزخی و عالم برزخ است:

یکی اینکه از آتشی سخن به میان می‌آورد که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، پیداست که این همان دوزخ برزخی است چرا که در عالم برزخ صبح و شام معنی دارد و بعد از قیام قیامت کبری صبح و شام وجود ندارد. دیگر اینکه در خود آیه از وجود عذاب قیامت خبر داده است و اینکه آن‌ها به شدیدترین عذاب گرفتار خواهند شد.

در حقیقت آن‌ها در عالم برزخ بر آتش عرضه و از جایگاه خویش در قیامت آگاه می‌شوند که این خود عذابی بزرگ و در قیامت آتش همواره همراه با آنان است.

(۴) چهارمین آیه که می‌تواند دلیل بر وجود عالم برزخ باشد آیه زیر است:

«قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَنتَ بِنَا وَأَحْيَيْنَا أَنتَ بِنَا فَأَعْرِفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ» (مؤمن / ۱۱).

«آن‌ها می‌گویند خدایا ما را دوبار میرانیدی و دوبار زنده کردی، هم اکنون به گناهان خود

اعتراف داریم آیا راهی برای خروج از «دوزخ» وجود دارد.»

این گفتار کافران در قیامت است، روشن است که تصور دوبار مرگ و دوبار حیات بدون وجود عالم برزخ معنی ندارد. یک بار از زندگی دنیوی مردن و پس از آن حیات برزخی و بار دیگر مردن از حیات برزخی و پایان آن و بالاخره زنده شدن در عالم آخرت.

آیات مذکور هر کدام بالحن خاص و ویژه خویش از قرار گرفتن انسان پس از مرگ در جهان برزخ حکایت می‌کند و از نعمت و عذاب الهی سخن به میان می‌آورد که این نشان از حیات و زندگی در آن جهان دارد.

(۵) از دیگر دلائل وجود عالم برزخ به استناد قرآن کریم آیاتی است که یک سلسله از گفت و شنودها را میان ملائکه و انسان‌های نیکوکار و بدکار یادآور می‌شود و چنین می‌گوید: فرشتگان پس از این گفتگوها به صالحان و نیکوکاران می‌گویند از نعمت‌های الهی بهره‌برید و آن‌ها را در انتظار رسیدن قیامت کبری نمی‌گذارند.

دو آیه زیر می‌تواند شاهی بر این گفتار باشد:

(۱) الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (نحل/۳۲).

«کسانی که ملائکه آنان را در حالی که پاکیزه هستند تحویل می‌گیرند به آنان می‌گویند:

دروود بر شما همانا به موجب کردارهای شایسته خود داخل بهشت شوید».

با توجه به آیات دیگری در قرآن که بهشت و جهنم را برای قیامت کبری می‌داند و ورود به آن پس از قیام قیامت کبری محقق خواهد شد، می‌توان دریافت که بهشت یاد شده در آیه فوق بهشت برزخی است که انسان‌های پاک و نالوده به مجرد موت وارد آن خواهند شد و از نعمت‌های آن بهره خواهند برد.

(۲) آیه دیگر این است:

«قَبْلَ ادْخَالِ الْجَنَّةِ قَالَ يَا بَنِيَّ قَوْمِي يَعْلَمُونَ، بِمَا غَفَرْتُ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (یس/۲۶ و ۲۷).

«پس از مرگ به او گفته شد داخل بهشت شو و او گفت ای کاش قوم من که [سخن مرا

نشنیدند] اکنون می‌دانستند که چگونه پروردگارم مرا آمرزید و مرا از بندگان با کرامت

خویش قرار داد».

این سخن مؤمن آل فرعون است که پس از مرگ آرزو می‌کند کاش قوم او بودند و جایگاهش را می‌دیدند.

با دقت پیرامون این آیه در می‌یابیم که این آرزو فقط با حیات برزخی سازگار است که آنان هنوز در این دنیا بودند و آو به جهان دیگر منتقل شده و اینجاست که آرزوی بودن آنان و دیدن نعمت الهی نسبت به آو، معنی پیدا می‌کند، زیرا در قیامت کبری خلق اولین و آخرین جمع خواهند بود و این خواسته‌ی جایی ندارد.

از مجموعه آیات یاد شده و برخی دیگر از آیات قرآنی چنین استنباط می‌شود که انسان با مرگ تابود نمی‌شود بلکه به حیات خود به گونه‌ای دیگر و در جهانی دیگر با شرایط ویژه‌ی آن ادامه خواهد داد، همان که قرآن نام آن را «برزخ» گذاشته است.

۶. برزخ در روایات

سیمای عالم برزخ در روایات بسیار جذاب و دیدنی است و احادیث فراوانی درباره‌ی عالم مذکور و کیفیت زندگی در آن در منابع حدیثی شیعه و سنی وارد شده است. در این روایات گزارش‌های فراوان و گسترده‌ای در مورد حیات برزخی و احوال مجرمان و متقیان آمده است که فصل بسیار بلند و والا و عمیقی را در معارف اسلامی به خود اختصاص می‌دهد.

برخی از بزرگان در مورد روایات فوق ادعای تواتر نموده‌اند. مرحوم خواجه طوسی چنین فرموده است:

«و عذاب القبر واقع بالامکان و تواتر السمع بوقوعه» (طوسی، تجرید العقائد، ص ۳۳۷)
یعنی عذاب قبر واقعیت دارد چون از نظر عقلی ممکن است و دلیلی بر محال بودن آن نیست و روایات متواتر فراوان نیز از وقوع آن خبر داده‌اند.
روایات مربوط به عالم برزخ بسیار گسترده است که در این مقال تنها به برخی از آن روایات اشاره می‌کنیم.

ابتدا به روایاتی می‌پردازیم که می‌توان از آن‌ها وجود عالم برزخ را استنباط نمود، ضمن اینکه همین روایات می‌تواند مبین حالات مختلف و چگونگی زندگی در آن جهان نیز باشد که البته به این بخش به طور جداگانه خواهیم پرداخت.

(۱) در حدیثی از پیامبر آمده است:

«الْقَبْرُ إِذَا رُوِضَهُ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفِرَ مِنْ حُفْرِ النَّارِ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶،

ص ۲۱۴ و ۲۱۸ و ترمذی، ج ۴، ب ۲۶، حدیث ۲۴۶).

این حدیث در منابع شیعی با همین تعبیر از امیرالمؤمنین (ع) و امام سجاد (ع) نیز نقل شده است. بعداً خواهیم گفت منظور از قبر که یا باغی است از باغ‌های بهشت یا گودالی از آتش، همان عالم برزخ است. این نکته چیزی است که از روایات مربوط به عالم برزخ می‌توان به دست آورد.

جدای از موضوع مذکور، این مطلب که قبر باغی است از باغ‌های بهشت یا گودال آتش است حکایت از عذاب و نعمت الهی می‌کند و اینکه انسان پس از مردن یا از نعمت الهی برخوردار است یا در عذاب گرفتار خواهد بود و این معنی جز با حیات برزخی معنی ندارد.

(۲) پس از پایان یافتن جنگ بدر، به دستور پیامبر اجساد کشته‌شدگان بدر را در چاهی ریختند، آن‌گاه پیامبر کنار چاه ایستاد و چنین فرمود:

«يَا أَهْلَ الْقَلْبِ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا فَإِنِّي وَجَدْتُ مَا وَعَدَنِي رَبِّي حَقًّا قَالُوا يَا

رَسُولَ اللَّهِ هَلْ يَسْمَعُونَ قَالَ مَا أَتَيْتُمْ بِأَسْمَعٍ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ وَلَكِنَّ الْيَوْمَ لَا يَجِیُونَ»

(مجلسی، ص ۲۰۷ و ۲۵۴ و نیز متقی هندی، ص ۳۷۷، حدیث ۲۹۸۷۶).

«ای اهل چاه آیا آنچه را خدا وعده داده بود دریافتید که حق است، من وعده پروردگارم

را حق و قطعی یافتم. عده‌ای گفتند ای رسول خدا، آیا آنان سخن شما را می‌شنوند؟

فرمود شما نسبت به آنچه می‌گویم از آنان شنواتر نیستید و آنان بهتر از شما می‌شنوند ولی

امروز نمی‌توانند پاسخ دهند.»

مضمون یاد شده با اندکی تفاوت در منابع مختلف حدیثی آمده است.

(۳) هنگامی که امیرالمؤمنین از جنگ صفین برمی‌گشت کنار قبرستانی پشت دروازه

کوفه ایستاد و خطاب به اهل قبور چنین فرمود:

«السَّلَامُ عَلَیْ أَهْلِ الْمَحَالِّ الْمَغْفِرَةِ وَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ أَنْتُمْ فَرَطَ لَنَا سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبِعٌ لَا حِجْ

أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكِنَتْ وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَأَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا خَيْرٌ مَّا عِنْدَكُمْ
ثُمَّ قَالَ: أَمَّا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى (نهج البلاغه، کلمات
قصار، اعدد ۱۳۰).

«سلام بر ساکنان دیار وحشت و سرزمین خشک و سوزان، شما از ما زودتر به آن جهان
رفتید و ما نیز بدنبال شما می آییم، [به شما بگویم] که پس از شما خانه‌هایتان را دیگران
ساکن شدند و همسران شما به ازدواج دیگران درآمدند و اموال شما تقسیم شد. این
خبری است که نزد ما بود، شما از آنجا چه خبر دارید؟ سپس به یاران خویش فرمود: آگاه
باشید اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می‌شد به شما خبر می‌دادند که بهترین زاد و توشه
تقوی و پرهیزکاری است.

این احادیث حکایت از آن دارند که انسان پس از مرگ از حیات و زندگی برخوردار
است و می‌تواند با این جهان ارتباط برقرار کند و احیاناً پاسخ‌گو نیز باشد که البته گرفتن
پاسخ آنان اختصاص به گروهی دارد که چشم برزخی آنان باز شده و توانایی دیدن آن
حقایق را داشته باشند.

۴) در خطبه‌های متعدد نهج البلاغه و کلمات امیرالمؤمنین، از زندگی انسان‌ها در عالم
برزخ یاد شده است که دو نمونه را ذکر می‌کنیم.

الف) «سلف غایتکم... سلکوا فی بطون البرزخ سیلاً» (همان، خطبه ۲۲۱ و ۳۳۹).

«آن‌ها به درون عالم برزخ وارد شدند».

ب) در مورد اهل ذکر و توصیف آنان می‌فرماید:

«...فشاهدو اما وراء ذلك، فکانما اطلعوا غُیُوبَ اهل البرزخ» (همان، خطبه ۲۲۲،

ص ۳۴۲).

«آن‌ها و رای این دنیای مادی را دیدند آنچنان که بر غیب‌های عالم برزخ آگاه

شدند».

۵) امام صادق (ع) در حدیثی فرمود:

«وَاللَّهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِلَّا الْبَرْزَخَ» (حویزی، ص ۵۵۳، حدیث ۱۲۰).

«مَنْ بَرَّ شِمَاً مِنْ عَالَمٍ بَرَّخَ مِنْهُ تَرْسَمَ».

در حدیث دیگری فرمود:

«الْبِرُّ زُجُّ الْقَبْرِ وَهُوَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (همان، حدیث ۱۴۲۲).

«عالم برزخ همان قبر است و آن بهره‌مندی از ثواب و عقاب مابین دنیا و آخرت است».

۶) روایاتی که به گونه‌های مختلف از سؤال در قبر خبر می‌دهند و اینکه چه کسانی مورد سؤال قرار می‌گیرند و از چه چیزهایی سؤال می‌شود، حکایت از آن دارد که انسان پس از مرگ از حیات و زندگی برخوردار است.

امام صادق فرمود:

«لَا يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضاً أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضاً وَالْآخِرُونَ يُلْهَوْنَ عَنْهُمْ» (مجلسی، ص ۲۶۶، ح ۱۱۲).

«اشخاصی در قبر مورد سؤال قرار می‌گیرند که یا مؤمن محض یا کافر محض باشند و سایرین به حال خود رها می‌شوند».

یعنی پرسش و سؤال قبر از کسی است که در حیات دنیوی خویش برای رسیدن به حقیقت تلاش کرده است و به عقاید حقه نائل شده است و در تطبیق عمل خود با آن عقاید کوشیده هرچند در مقام عمل مرتکب خطا شده است و یا از کسی است که به حق توجه نکرده و با آنکه باید جانب حق را می‌گرفت در اثر هواهای نفسانی آن را نادیده گرفت و انکار کرد، ولی کسانی که اصطلاحاً از آنان به عنوان مستعصف فکری یاد می‌شود که در زندگی خویش از رشد لازم و مطلوب فکری برخوردار نبوده‌اند در قبر مورد سؤال و جواب قرار نمی‌گیرند و آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که امر آنان موکول به مشیت و اراده حضرت حق است.

در روایت دیگری امام باقر (ع) فرمود:

«سؤال شدگان در قبر یا مؤمن محض و یا کافر محض هستند» (مجلسی، ص ۲۶۰ و کافی،

ج ۳، ص ۲۳۵).

این احادیث و احادیثی از این قبیل فقط از این جنبه مورد توجه قرار گرفته‌اند که

می‌تواند اصل وجود عالم برزخ را اثبات کند چرا که سؤال و جواب و عذاب و نعمت و... وجود چنین جهانی را اثبات می‌کند که اگر چنان جهانی وجود نداشته باشد این حالات و اوصاف ذکر شده در منابع دینی بی‌معنی است.

۷. برزخ از نظر عقل

هرچند کیفیت و چند و چون مسائل مربوط به عالم پس از مرگ را تنها باید از طریق وحی دنبال کرد و خصوصیات و ویژگی‌های آن را از زبان وحی شنید؛ زیرا بسیاری از مسائل ریز و پیچیده آن جهان جای جولان خرد و اندیشه انسان نیست و انسان از طریق عمل و خرد خویش نمی‌تواند راهی به سوی آن بیابد، ولی می‌توان کلیات مسائل مربوط به عالم پس از مرگ را به کمک عقل فهمید و از این راه برای تقویت ایمان دینی کمک گرفت.

در مباحث عقلی و فلسفی با براهین خاص اثبات شده است که بین عالم ماده و اسمای الهی دو عالم «تجرد و مثال» قرار دارد.

توضیح آنکه: عوالم وجود و هستی از ذات حق سرچشمه می‌گیرد و همه آن از آثار و جلوه‌های اسمای الهی است و این اولین عالم است که «جبروت» نام دارد و به مبدء متعال نزدیک‌تر است، جهان پس از آن «عالم مثال و برزخ یا ملکوت» است که مترتب بر عالم اول است و نشأت گرفته از آن می‌باشد، و عالم و جهان سوم «جهان جسم و جسمانیت» و نظام مادی است که جهان شهادت و ناسوت نیز نامیده می‌شود.

عالم مثال در حقیقت جلوه و مرتبه نازله عالم تجرد و مجردات است با این تفاوت که در عالم تجرد حقایق و موجودات به نحو کلیت و رها شده از قیود مادی و لوازم و آثار آن وجود دارد، ولی در عالم مثال همین حقایق مجرد در حدود و اندازه و با مقدار و شکل منتهی به دور از ماده وجود پیدا می‌کند.

آنچه بدان اشاره شد مربوط به قوس نزول و ترتیب طولی عوالم وجود از مبدء متعال تا عالم ماده است. در قوس صعود یا بازگشت به سوی خدای متعال همان عوالم

یکی پس از دیگری طی خواهد شد. در قرآن آمده «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (اعراف/ ۲۹). پس در حرکت صعودی پس از عالم ماده و حرکت به سوی پروردگار «عالم برزخ» اولین عالم و متوسط میان تجرد و ماده است که انسان پس از مرگ به چنین جهانی قدم می‌گذارد و به حرکت خود ادامه می‌دهد، در حقیقت با مرگ روح انسان که هویت و حقیقت و اصل انسان است در عالم برزخ قرار می‌گیرد و این به مجرد انقطاع از بدن صورت خواهد گرفت و در عالم یاد شده حقایق وجود دارند، ولی بدون ماده، در حالی که مقدار و شکل و حدود و اندازه برای آن‌ها هست. این همان عالم مثال پس از مرحله عالم ماده در قوس صعود است که در زبان دین از آن به عنوان عالم برزخ یاد شده است (شجاعی، ص ۲۲۷ به بعد).

مسئله دیگری که یادآوری آن خالی از نکته نیست، مسئله تماس و ارتباط با ارواح است که فی الجمله امری مسلم است و افرادی که دارای ضمیری پاک هستند توانسته‌اند در خواب یا بیداری با عالم ارواح ارتباط برقرار نموده و پیام‌هایی را دریافت کنند که حقیقت داشته است.

نکته دیگری که می‌تواند در این زمینه یعنی فهم حیات برزخی کمک نماید شباهت آن عالم با خواب است، در زمان خواب بودن انسان، جسم مادی از بسیاری از فعالیت‌ها باز می‌ایستد و قوای انسان به حالت نیمه تعطیل در می‌آید، اما انسان حقایقی را می‌بیند که گاهی ترسناک و گاهی خوشحال‌کننده است و همه این‌ها در یک لحظه ممکن است اتفاق بیافتد. این موضوع نوعی دیگر از حیات را در انسان ثابت می‌کند که با زندگی مادی او تفاوت کامل دارد و جالب آنکه در روایات و متون دینی ما برای فهم معانی مربوط به عالم پس از مرگ تشبیه به خواب وارد شده است (صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۸۹، حدیث ۵).

از امام باقر (ع) سؤال شد مَا الْمَوْتُ: قَالَ (ع) هُوَ النَّوْمُ الَّذِي يَأْتِيكُمْ كُلُّ لَيْلَةٍ

«این همان خوابی است که هر شب به سراغ شما می‌آید».

از مطالب مذکور درمی‌یابیم که انسان پس از مرگ به حیات خویش ادامه می‌دهد،

ولی با جسم دیگری که خصوصیات جسم مادی را ندارد که از آن به جسم مثالی تعبیر می‌شود. نگاهی به روایات مربوط به عالم برزخ نیز نشان می‌دهد که بدن و قالب مثالی برای انسان پس از عالم مرگ وجود دارد، حدیث زیر در این بحث شایان توجه است:

یونس بن ظبیان می‌گوید که در خدمت امام صادق (ع) بودم که به من فرمود: مردم در خصوص ارواح مؤمنین چه می‌گویند: گفتم عده‌ای معتقدند ارواح مؤمنین پس از مرگ در چینه‌دان پرندگان سبز رنگی در اطراف عرش قرار می‌گیرند.

امام (ع) فرمود:

«لَا الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُجْعَلَ رُوحُهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ وَلَكِنْ فِي أَبْدَانٍ كَأَبْدَانِهِمْ» (کلینی، ج ۲، حدیث ۲۴۴ و مجلسی، ج ۶، ص ۲۲۹، حدیث ۳۲).

«چنین نیست مؤمن نزد خدا گرامی‌تر از آن است که روحش در چینه‌دان پرنده قرار گیرد بلکه روح آنان در بدن نهائی همانند بدن دنیایی آنان خواهد بود».

حدیث مذکور با اندکی تفاوت از امام صادق چنین آمده است:

«... فَإِذَا قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ صَيَّرَ تِلْكَ الرُّوحَ فِي قَالِبٍ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا فَيَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الْقَادِمُ عَرَفُوهُ بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا»

«وقتی خداوند روح او را قبض نماید در قالبی همانند دنیا قرار خواهد داد، می‌خورند و می‌آشامند و وقتی کسی بر آنان وارد می‌شود او را به همان صورتی که در دنیا بود خواهند شناخت» (مجلسی، ج ۶، ص ۲۷۰ - ۲۶۹).

دو حدیث یاد شده به علاوه احادیث فراوان دیگری که در این زمینه وارد شده است وجود بدن و قالب مثالی را برای انسان پس از مرگ ثابت می‌کند و وجود عالم مثال در قوس صعود که در بحث‌های فلسفی بدان پرداخته شده و پیش از این بدان پرداختیم، این حقیقت را تأیید می‌کند.

۸. ویژگی‌های عالم برزخ

در مباحث گذشته یاد آور شدیم که در قرآن کریم نسبت به اصل وجود جهان برزخ سخن

به میان آمده است و همان گونه که روش قرآن کریم است این بحث به صورت کلی مطرح شده است، بدین جهت همه خصوصیات مربوط به آن عالم را نمی توان در قرآن یافت، ولی در روایات پیامبر اهل بیت (ع) حقایق فراوانی در این زمینه بازگو شده که در این فصل به عناوین و خصوصیات و ویژگی های آن که از روایات برگرفته است نظر خواهیم داشت.

الف) سؤال قبر: (سؤال در عالم برزخ)

در روایات زیادی بر این نکته تأکید شده است که انسان ها همگی یا برخی که ایمان محض و کفر محض دارند، هنگامی که در قبر گذاشته شده دو فرشته به سراغ او می آیند و مسائلی را از او می پرسند. در این که چه چیزهایی مورد پرسش قرار می گیرد روایات مختلف است (برای نمونه بنگرید به (مجلسی، ج ۶، ص ۲۳۳ به بعد و فیض کاشانی، ص ۴۳۰ به بعد)

از محتوای روایات چنین بر می آید که برخی پرسش ها حتمی است. پرسش هایی درباره اصول عقاید و کیفیت صرف عمر و مال و کسب درآمد و امثال آن.

باید دانست که شروع عالم برزخ با مرگ خواهد بود که در آن لحظه انتقال به عالم یاد شده صورت می گیرد به حدیث ذیل توجه کنید:

«... أَلَا وَإِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُكَ عَنْ رَبِّكَ الَّذِي كُنْتَ تُعْبُدُهُ وَ عَنْ نَبِيِّكَ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكَ وَ عَنْ دِينِكَ الَّذِي كُنْتَ تَدِينُ بِهِ وَ عَنْ كِتَابِكَ الَّذِي كُنْتَ تَتْلُوهُ...»

«آگاه باش اول چیزی که آن دو فرشته می پرسند از خدایی است که او را عبادت می کردی و پیامبری که به سوی تو فرستاده شد و دینی که بدین پابند بودی و کتابی که آن را تلاوت می کردی» (مجلسی، ج ۶، ص ۲۳۳، حدیث ۲۴).

ب) فشار قبر

این موضوع در روایات زیادی آمده است و آن را برای همه افراد ثابت می کند؛ نهایت

آنکه برای عده‌ای شدید و برای بعضی دیگر ملایم‌تر است و در برخی روایات به عنوان کفاره گناهان قلمداد شده است.

از جمله اینکه پیامبر در هنگام دفن سعد بن معاذ فرمود:

«إِنَّهُ لَيَسَّ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَهُ ضَمَّةٌ» (همان، ص ۲۶، حدیث ۱۶ و ۱۹).

هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در قبر فشاری دارد و در حدیثی دیگر فرمود:

«صَغَطَةُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النَّعْمِ» (همان، ص ۲۲۱).

«فشار قبر برای مؤمن کفاره ضایع نمودن نعمت‌های الهی از سوی اوست».

در روایات بسیاری از گناهانی نام برده شده است که باعث عذاب و فشار قبر می‌شوند و موجب می‌گردد انسان در عالم برزخ معذب باشد مثلاً از سخن چینی (همان، ج ۵، ص ۲۶۵ و ج ۶، ص ۲۴۵) و غیبت کردن (همان، ج ۶، ص ۲۴۵) و حق الناس را برگردن و عهده خویش داشتن (مجلسی، حیات القلوب، ج ۲، ص ۵۷۷) و بداخلاقی کردن با خانواده و رباخواری و عیب جویی از مردم (مجلسی، بحار، ج ۱۸، ص ۳۲۴ و ج ۶، ص ۲۴۰) به عنوان گناهانی یاد شده است که باعث فشار قبر می‌گردند.

بی‌مناسبت نیست که در اینجا به کارهایی که عذاب قبر را بر طرف می‌کند و می‌تواند انسان را از این مرحله هولناک و خطرناک نجات دهد، اشاره‌ای داشته باشیم.

باید به این نکته توجه داشت که به طور کلی کارهای نیک نقش بسزایی در آرامش روح در عالم برزخ و رهایی از فشار قبر دارد، ولی مطابق روایات برخی اعمال در این جهت نقش بیشتری دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

مرگ در شب و روز جمعه (مجلسی، بحار، ج ۶، ص ۲۶۰ و برقی، ص ۶۰) و خواندن قرآن به ویژه سوره نساء و سوره یس باعث در امان ماندن از عذاب قبر می‌شوند (صدوق، ثواب الاعمال، ص ۲۵۰).

ج) بقای رابطه انسان در عالم برزخ با دنیا

یکی از ویژگی‌های عالم برزخ که می‌تواند یکی از دلائل وجود عالم برزخ نیز به حساب

آید، ارتباطی است که میان مردگان با دنیای مادی برقرار است. این مضمون در روایات بسیاری آمده است که پس از مرگ رابطه انسان به طور کلی با دنیا قطع نمی‌شود، بلکه می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند تا آنجا که عنوانی در منابع حدیثی به صورت «إِنَّ الْمَيِّتَ يَزُورُ أَهْلَهُ» آمده است که از روایات اقتباس شده است. در روایات مذکور این نکته یادآوری شده است که افراد مختلف چه بی‌ایمان و چه با ایمان گاهی به دیدار اهل خویش می‌آیند.

در حدیثی از امام صادق آمده است:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُزُورُ أَهْلَهُ قَبْرِي مَا يُحِبُّ وَيُسْتَرْ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيُزُورُ أَهْلَهُ قَبْرِي مَا يَكْرَهُ وَيُسْتَرْ عَنْهُ مَا يُحِبُّ» (کلینی، ج ۳، ص ۳۳۰، حدیث ۱).

مؤمن اهل خویش را زیارت می‌کند و آنچه او را خشنود می‌کند از آنان می‌بیند، ولی ناخوشایندی‌ها از دید او پنهان نگاه داشته می‌شود و کافر به عکس مؤمن است.

به خبر روایات، خواب‌های فراوان و صادقی که همگان کم و بیش از آن مطلع هستند و با آن سروکار دارند و نشان از بدحالی یا خوشحالی درگذشتگان دارد، می‌تواند دلیل بر وجود عالم برزخ باشد.

بر همین اساس، در روایات اسلامی آمده است که انسان می‌تواند در عالم برزخ از آثار ماندگار خویش یا از اعمال نیک دیگران که برای او و به قصد او انجام دهند بهره‌مند شود و ثمرات آن کارها نصیب او شود و در کاستن از شدت سختی‌های او مؤثر باشد.

امام رضا (ع) می‌فرماید:

«مَا مِنْ عَبْدٍ زَارَ قَبْرَ مُؤْمِنٍ فَقَرَأَ عَلَيْهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِصَاحِبِ الْقَبْرِ» (فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۹۰).

«کسی که به زیارت قبر مؤمنی برود و سوره انا انزلناه را هفت بار قرائت کند، خداوند او و صاحب قبر را خواهد آمرزید.»

امام صادق (ع) فرمود:

«سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ وَلَدُّ صَالِحٍ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يُقْرَأُ فِيهِ وَ قَلْبٌ يَحْفَرُهُ وَ عَرْسٌ يَغْرُسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤَخِّرُ بِهَا بَعْدَهُ» (مجلسی، بحار، ج. ۶، ص ۲۹۳ و صدوق، خصال، ص ۱۵۱).

«شش چیز است که مؤمن پس از مرگ از آن بهره‌مند می‌شود: فرزند شایسته‌ای که برای او استغفار کند و قرآنی که مردم آن را بخوانند و چاه آبی که جفر نموده و از آن استفاده می‌شود و درختی که نشانده و آب جاری که در اختیار مردم بگذارد و سنت نیکی که بعداً به آن عمل شود».

چنانچه ملاحظه می‌شود بهره‌مندی انسان از دعای خیر دیگران به ویژه فرزند شایسته و خلف صالح و برخورداری او در عالم برزخ از آثار سوء یا آثار خیر سنت‌های به جا مانده و امثال آن همگی دلیل بر وجود عالم برزخ و حیات برزخی است و این گونه روایات به طور گسترده در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت وارد شده است. همچنین احادیث فراوانی وجود دارند که براساس آن‌ها ارواح مؤمنان به واسطه هدایایی که از طرف خویشان و دوستان برای آن‌ها فرستاده می‌شود خشنود می‌گردند و این شادی خود و آمدن هدیه از طرف دنیا را به دیگران اظهار می‌نماید:

از امام صادق (ع) نقل شده است:

«إِنَّ أَلَمِيَّتَ لَيَفْرَحُ بِالتَّرْحُمِ عَلَيْهِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ لَهُ كَمَا يَفْرَحُ الْحَيُّ بِالْهَدِيَّةِ» (فیض کاشانی، ص ۲۹۲)

«میت با طلب رحمت و استغفار برای او خوشحال می‌شود چنانکه انسان زنده از هدیه خشنود می‌گردد».

و از پیامبر به همین مضمون چنین آمده است:

«إِنَّ هَذَا يَا أَخِيَا لِلْأَمْوَاتِ الدُّعَاءُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ» (همان، ص ۲۹۱).

«هدیه زندگان به مردگان دعا و استغفار است».

د) جایگاه ارواح مؤمنان و مشرکان در عالم برزخ

در اینکه همه انسان‌ها با مرگ وارد عالم برزخ می‌شوند شک و تردیدی وجود ندارد. همچنین در اینکه عالم برزخ شبیه عالم ماده است، ولی آثار و عوارض آن را ندارد بجای نیست، اما اینکه پس از مرگ جایگاه خاصی برای ارواح مؤمنان و مشرکان و خوبان و بدان در نظر گرفته شده روایات مختلف است.

در روایات وارد شده است که ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف دور یکدیگر جمع می‌شوند، یعنی وادی امن و امنیت که ظهور آن وادی در این دنیا در سرزمین نجف اشرف است که وادی ولایت الهی است.

در حدیثی از امام صادق آمده است که فرمود:

من منظره اجتماع ارواح مؤمنان را می‌بینم که حلقه حلقه دور یکدیگر نشسته‌اند و گفتگو می‌کنند (مجلسی، بحار، ج ۶، ص ۲۸۷ و ۳۶۸).

بدین جهت از هر جایی که هدیه‌ای برای آنان فرستاده شود به آنان خواهد رسید، ولی از آنجا که ارواح با اجساد خود ارتباط خاصی دارند، سفارش شده است به زیارت قبور بروید و بر سر قبر مؤمنان حاضر شوید که روح آن مؤمن از دیدارکننده خشنود می‌شود و با او انس می‌گیرد.

در حدیث دیگری از امام صادق در مورد ارواح مؤمنان چنین می‌خوانیم:

«فِي حُجْرَاتِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِهَا وَ يَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِهَا وَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَقِمِ السَّاعَةَ لَنَا وَ أَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا» (کلینی، ج ۳، ص ۲۴۴ و بحار، ج ۶، ص ۷۰-۲۶۹).

«آن‌ها در حجره‌های بهشتی از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها بهره‌مند می‌شوند و می‌گویند خدایا قیامت را بر پا ساز و به وعده‌هایی که به ما دادی وفا کن (چرا که آنان می‌دانند نعمت‌های خداوند در قیامت به اندازه‌ای است که حتی با نعمت‌های برزخی قابل مقایسه نیست بدین جهت آرزوی برپایی قیامت را می‌کنند تا شاهد تحقق وعده‌های خداوند و بندگان صالح و پرهیزکار باشند).

در مورد ارواح کفار و مشرکان و منافقان و گناهکارانی که قابل عفو و بخشش نیستند آمده است که ارواح آنان در «وادی برهوت» یمن خواهند بود.
امیرالمؤمنین فرمود:

ارواح کفار پس از مرگشان در سرزمین یاد شده گرد هم می آیند که آن وادی انواع شکنجه و عذاب‌ها را در خود دارد (بحار، ج ۶، ص ۲۷۹ و ۲۸۹ و ...).

هـ) تمثیل اعمال در عالم برزخ

از آنجا که عالم قبر و برزخ محل ظهور واقعیات و حقایق است، آنچه انسان در این دنیا انجام داده است چه خوب و چه بد، در عالم برزخ به صورت واقعی خود جلوه می‌کند که اصطلاحاً صورت برزخی اعمال نام دارد.

در روایات آمده است که اعمال نیک در آنجا به صورت شخصی زیباروی و خوش اخلاق جلوه می‌کند و انسان به او می‌گوید تو کی هستی که تا به حال صورتی از تو زیباتر ندیده‌ام، در پاسخ می‌گوید من عمل نیک تو هستم و تا روز قیامت با تو هستم و از تو جدا نمی‌شوم و اعمال زشت و قبیح انسان به صورتی زشت و کزین با بوی بد و لباس کثیف مجسم می‌شود و انسان به او می‌گوید تو کیستی و او می‌گوید من عمل بد و ناپسند تو هستم و تا روز قیامت با تو هستم و از تو جدا نمی‌شوم.

در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است:

إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ دَخَلَ مَعَهُ فِي قَبْرِهِ سِتَّةُ صُورٍ: فِيهِمْ صُورَةُ أَحْسَنُهَا وَجْهًا وَأَبْهَأُهَا هَيْئَةً أَطْيَبُهَا رِيحًا وَأَنْظَفُهَا صُورَةً قَالَ: يَقِفُ صُورَةُ عَنْ يَمِينِهِ وَأُخْرَى عَنْ يَسَارِهِ وَأُخْرَى بَيْنَ يَدَيْهِ وَأُخْرَى خَلْفَهُ وَأُخْرَى عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَيَقِفُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُهَا فَوْقَ رَأْسِهِ فَإِنْ أَتَى عَنْ يَمِينِهِ مَنَعَتْهُ الَّتِي عَنْ يَمِينِهِ ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى أَنْ يُؤْتَى مِنَ الْجِهَاتِ السَّبْعِ قَالَ فَتَقُولُ أَحْسَنُهَا صُورَةً وَمِنْ أَنْتُمْ جَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا فَتَقُولُ الَّتِي عَنْ يَمِينِ الْعَبْدِ أَنَا الصَّلَاةُ وَتَقُولُ الَّتِي عَنْ يَسَارِهِ أَنَا الزَّكَاةُ وَتَقُولُ الَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَنَا الصِّيَامُ وَتَقُولُ الَّتِي خَلْفَهُ أَنَا الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَتَقُولُ الَّتِي عِنْدَ رِجْلَيْهِ أَنَا بُرٌّ مِنْ وَصَلْتِ مِنْ إِخْوَانِكَ ثُمَّ يَقْلَنَ مَنْ أَنْتَ أَحْسَنُهَا وَجْهًا وَأَطْيَبُهَا رِيحًا

وَأَيُّهَا نَا هَيْئَةً قَتُولُ أَنَا الْوَلَايَةُ لِأَنَّ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ (تبرقی، ج ۱، ص ۲۸۸ و بحار، ج ۶، ص ۶-۲۳۴).

«ترجمه: وقتی مؤمن می‌میرد شش صورت با او وارد قبر می‌شود که میان آنان صورتی است از همه زیباتر و خوشبوتر و با هیبت‌تر است، صورتی طرف راست او می‌ایستد و دیگری طرف چپ او و یکی پشت سر او و دیگری پایین پای او و صورتی که از همه زیباتر است بالای سر او می‌ایستد و به سایرین رو می‌کند و می‌گوید شما کیستید: صورتی که طرف راست میت است می‌گوید من نماز او هستم و آنکه طرف چپ اوست می‌گوید من زکات اویم و صورت مقابل می‌گوید من روزه او می‌باشم و آنکه پشت سر اوست می‌گوید که حج و عمره او می‌باشم و آنکه پایین پای اوست می‌گوید من نیکی و احسان این میت نسبت به برادران دینی او هستم. پس همه آنان به آن صورت زیبا می‌گویند تو که هستی و او پاسخ می‌دهد و ولایت و محبت خاندان عصمت و طهارت هستم».

نتیجه

از مطالب مذکور، چنین می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های مربوط به منازل و مراحل پس از مرگ به طور کامل و با همه خصوصیات و ویژگی‌هایش آن چنان که در قرآن و منابع اسلامی آمده است، در هیچ یک از منابع دیگر بیان نشده است. هرچند اصل مسئله را می‌توان از اعتقادات مسلم آنان دانست و در اینجا است که در مقایسه معارف قرآن با آنچه در متون دینی دیگر آمده است می‌توان دریافت که آنچه دین اسلام در این زمینه بیان داشته است از جامعیتی برخوردار است که هیچ یک از ادیان گذشته به پای آن نمی‌رسد و این جامعیت برای کسی که در موضوع یاد شده یعنی عالم برزخ به مطالعه بپردازد آشکار و روشن است، چنانکه در سایر زمینه این جامعیت و فراگیری بر اهل اطلاع پوشیده نیست.

توضیحات

۱. پل چینوت به معنی پل تشخیص است و شبیه پلی است که در اسلام از آن به عنوان پل صراط یاد می شود.
۲. برای آگاهی بیشتر به تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۹-۳۵۲ و ج ۲، ص ۷۲ و ۸۰؛ تینان، ج ۷، ص ۳۹۴؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۱۸؛ الدر الثور، ج ۵، ص ۲۹ و نیز طبری، ج ۵، ص ۱۸ و ۲۹ مراجعه کنید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- نهج البلاغه، صبحی صالح، ترجمه الهی قمشاهی، بیروت، دارالاسوة، ۱۴۱۵ ه.ق.
- آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین زرتشت، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
- _____، تحقیقی در دین مسیح، تهران، نشر نگارش، ۱۳۶۸.
- _____، تحقیقی در دین یهود، تهران، نشر نگارش، ۱۳۸۳.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۰ ه.ق.
- برقی، احمد بن محمد خالد البرقی، محاسن، ج ۱، المجمع العالمی لاهل البیت، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- پورداد، ابراهیم، گات ها، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن، ج ۴، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۳، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ه.ق.
- دانت آلینگیری، کمدی الهی، ج ۲، بروزخ، نشر تیر، ۱۳۷۸.
- راب، اکهن، گنجینه ای از تلمود، مترجم امیر فریدون گرگانی، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰.
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات، قم، چاپخانه طلیعه نور، ۱۴۲۶ ه.ق.
- زکریا، ابی الحسین احمد بن فارس، مقائیس اللغة، ج ۱، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.

- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، کتاب مقدس، آیات عشق، قم، ۱۳۸۲.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر باکمائور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- شجاعی، محمد، بازگشت به خدا، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ثواب الاعمال، النجف، ۱۳۹۲.
- _____، خصال، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۲.
- _____، معانی الاخبار، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۱.
- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱ و ۲ و ۱۵، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ هـ.ق.
- طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، تفسیر تبیان، ج ۷، مکتبه الامین النجف، ۱۳۷۶.
- طوسی، نصیرالدین، تجرید الاعتقاد، صیدا، مطبعة العرفان، ۱۳۵۳.
- فراهیدی، احمد بن خلیل، کتاب العین، بیروت، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، محجة البیضاء، ج ۸، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۲ و ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۰، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵ و ۶ و ۱۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- هاکن جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.